

شہید محمد محمدزادہ



از بشارت علی
سامانہ جامع سرداران و دہشتگردان استان بوشهر

نام پدر	مختار
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۴/۰۲
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۳/۱۷
محل شهادت	مهاباد
مسئولیت	تک تیر انداز
نوع عضویت	پاسدار و وظیفه
شغل	—
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	جتوط

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید محمد محمدزاده فرزند حاج شیخ مختار محمدزاده در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متدین ، روحانی و مذهبی در روستای جتوط از توابع دشتستان چشم به جهان گشود و با رنج و تعب پدر و خانواده گرامیش بتدریج بزرگ شد و به سن ۶ سالگی که رسید در دبستان شهید سعادت جتوط به تحصیل مشغول گردید ، و پس از گذراندن دوره ابتدائی به تحصیل در مدارس راهنمائی روستاهای نظر آقا و سعدآباد اشتغال ورزید ، چون ایان تحصیل وی مصادف شد با جنگ تحمیلی لذا با عنایت به علاقه و عشق وافر که ان شهید عزیز به اسلام ، انقلاب و امام عزیز داشت با جدیت تمام به فراگیری فنون نظامی از طریق بسیج همت گماشت و پس از آمادگی کامل با شور و ایمان تمام به ندای امام خویش لبیک گفته و اولین بار در سال ۶۲ اعزام جبهه عملیاتی در کردستان و مهاباد گردید و با دشمنان اسلام به مبارزه برخاست . شهید محمد زاده پس از گذشت چهار ماه نبرد با مزدوران بعثی به خانه و کاشانه خود مراجعت نمود و به دنبال آن همواره در رابطه با نگهبانی از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی با حضور در بسیج محل حضور فعال خویش در تمامی صحنه های انقلاب اسلامی چه مبارزه با گروهکهای محارب و منافق و چه در میادین نبرد اهتمام می ورزیدند تا این که در تاریخ ۲۰/۱۱/۶۴ جهت انجام خدمت زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران به عنوان پاسدار وظیفه از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان رهسپار خدمت مقدس سربازی گردید و پس از اتمام دوره ی آموزشی برای بار دوم کردستان (شهر مهاباد) اعزام گردید و حدود ۱۶ ماه ، دشمنان انقلاب و سرسپردگان بیگانه مردانه رزمید و در پاکسازی منافقین و وطن خروشان از جان عزیز خویش مایه گذاشت و در اثنای این ۱۶ ماه در عملیاتهایی مکرر شرکت جست تا آن که سرانجام در مورخه ۱۷/۳/۶۶ در منطقه عملیاتی مهاباد در حین عملیات و نبرد با خصم زبون جان خویش را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم پیشگاه ربوبی نمود و از خصوصیات اخلاقی ایشان تواضع فروتنی و وارستگی بود . او فردی بود متین ، خوش برخورد و دارای اخلاقی الهی و اسلامی را سلامی که در هر انسان شیفته حق یافت می شود

وصیت نامه

وصیت نامه شهید پاسدار محمد محمدزاده

بسم الله الرحمن الرحيم

« وصیت نامه پاسدار وظیفه شهید محمد محمدزاده »

من المومنین رجال صدقوا و الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینظر و ما بدلو تبدیلا

شهادت مرتبه ای نیست که همه لایق آن باشند این وصیتنامه را هم که می نگارم احتمال شهادتم بسیار بعید است ولی به هر حال آرزو بر جوان عیب نیست . در زمانی که همه طاغوتیان و جباران که دستشان به خون مستضعفان آلوده است که به نابودی اسلام بسته اند و قصد نابودی انقلاب خونبار حسینی را در سر دارند من نیز با توجه به مسئولیت شرعی و وظیفه خود دانستم که در این نبرد شرکت تنمایم که در این راه پیروزی و شهادت هر دو رستگاری است و شکر خدا را به من سعادت جنگیدن در راهش را عطا فرمود . برادران و خواهران امروز روزی است که حجت بر شما تمام شده و هیچ عذری ندارید اگر کوتاهی کنید به بیچارگی ابدی گرفتار خواهید شد ، زندگی زود گذر دنیا ارزشی ندارد که به واسطه آن زندگی ابدی و آخرت را خراب کنید ، پدر و مادر صبر و استقامت داشته باشید و در راه احیای اسلام ثابت قدم و شکیبا باشید و گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب باشید و به شما برادران و خواهران و پدران و مادران تأکید می کنم اگر می خواهید رستگار باشید با ولایت فقیه باشید که در این زمخان همان خط علی (ع) در عید غدیر خم می باشد و خطهای دیگر همان خطهای انقضای آن زمان است . بارالها من را در این راه پیروز و سربلند بگردان .

خدایا ، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

برادر کوچک شما محمد محمدزاده

مصاحبه

مصاحبه با اعضای خانواده شهید

پرسشنامه شماره ۱ ویژه والدین

شرح زندگی شهید

الف) دوره پیش از تولد

چه خاطراتی از دوره پیش از تولد شهید دارید؟

— زندگی شهیدان ، این سربازان حقیقی آقا بقیه الله اعظم — ارواحنا فدا — که به ندای «هل من ناصر ینصرنی» رهبر کبیر انقلاب اسلامی گفتند و جان را در طبق اخلاص گذاشتند و تقدیم دوست نمودند و به مقامی رسیدند که همان قرب الهی و هدف خلقت انسان می باشد ، سراسر خاطره است . مادر شهید در این رابطه می گوید در روزهای آغازین تولد شهید ، پدر ایشان ، دستهای شهید را در دست می گرفت و می گفت حضرت علی (ع) در آغاز تولد حضرت عباس (ع) نگاهشان به دستهای آقا ابوالفضل معطوف بود و می دانستند روئزی با آن دستهای مبارک چه خواهد شد . گفتم حالا تو از این دستها چه می دانی ؟ گفت : چیزی نمی دانم اگر روزی اسلام به این مملکت وارد شود و به این دستها نیاز داشته باشد دریغ نخواهم کرد . پدر شهید به دلیل ارادتی که به پیامبر اسلام داشتند نام ایشان را محمد گذاشتند .

ب) دوره ی کودکی (تولد تا شش سالگی)

شهید به اعمال دینی و مذهبی از همان دوران کودکی علاقه ی زیادی نشان می دادند و هنگامی که والدین مشغول خواندن نماز بودند ایشان با همان غریزه ی فطری که به خدا پرستی در وجودشان بود ، سجاده را در کنار پدر و یا مادر می گذاشتند و پیشانی خود را به مهر می گذاشتند و رکوع و دیگر اعمال عبادتی را کودکان به جا می آوردند و از لحاظ علاقمندی به همه اعضا خانواده علاقه نشان می دادند و مانند هر کودکی به بازی علاقه داشتند و جنب و جوش و فعالیت از خود نشان می دادند .

ج) دوره خردسال (۷ تا ۱۱ سالگی □ دوره ابتدایی)

شهید در سن شش سالگی در دبستان شهید سعادت جتوط مشغول به تحصیل گردید و با علاقه و جدیت تمام ، تکالیف درسی را انجام می داد و علاوه بر آن در کارهای منزل و بیرون خصوصاً در امر کشاورزی تا جایی که در توان داشت به پدر و مادر کمک می کرد و شیوه و منشی واقعاً انسانی داشتند همچنین پسر م با وجودی که هنوز به سن تکلیف نرسیده بود ولی به واجبات و ترک محرمات خیلی گوشا بود و با سن کمی که داشت در ماه مبارک رمضان که در فصل گرم تابستان بود نسبت به روزه خیلی مقید بود . همچنین به شرکت در مراسمات مذهبی مخصوصاً عزاداری امام حسین و شب زنده داری عاشورا اهتمام زیادی داشتند .

د) دوره نوجوانی و جوانی (۱۲ سالگی به بالا — دوران راهنمایی ، دبیرستان و ..)

شهید علاوه بر تحصیل همان طور که چندین بار اشاره شد کمک زیادی در امر کشاورزی به پدرش می کردند (از زبان پدر شهید) و بیشتر اوقات فراغت را به کشاورزی و دیدار با خویشاوندان و رسیدگی با درس و تحصیل ، می

گذراندند . ایشان دارای روحیه ای فعال و معاشرتی بودند و به حجاب خواهران و حفظ اسلام و انقلاب تعصب خاصی داشتند . شهید از همان اوایل انقلاب عشق و علاقه ی زیادی به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام راحل (ره) داشتند و همیشه خود را پشتیبان ولایت فقیه می دانستند و چون در خانواده ای مذهبی و روحانی پرورش یافته بود تا جایی به روحانیت علاقه داشتند که در همان سنین کودکی نیز ابراز خوشحالی می کردند و می گفتند : پدر من از بانک امام حسین (ع) برای ما پول می آورند . نه از بانک شاه . و در سن ۱۴ سالگی به بالا فعالیت زیادی در بسیج و یادگیری فنون جنگی داشتند و خود را در برابر انقلاب مسئول می دانستند و برای حفظ آن کوشا بودند و از نظر خصوصیات اخلاقی انجام واجبات و ترک محرمات باید گفت شهید کسی است که (نظر دارد به وجه الله) و ما هر چه از او بگوئیم باز هم کم گفته ایم و نه تنها از پسر شهیدم بلکه از تمام شهدا که فرزندان ما می باشند آن شجاعت و دلاوری و خلوص آنها در پشت سنگرها و زیر توپ و تانک دشمن غاصب شهید محمد محمد زاده ، شهادت را مرقبه ای می دانستند که همه را لایق رسیدن به آن نمی دانستند و همیشه آرزوی رسیدن به شهادت داشتند تا این که عاقبت این کبوتر سپید بر حرم لقای پروردگار

خاطرات

دوره سربازی :

شهید در مورخه ۲۰/۱۱/۶۴ جهت انجام خدمت مقدس سربازی به عنوان پاسدار وظیفه از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان عازم خدمت مقدس سربازی گردید و پس از اتمام دوره ی آموزشی به کردستان (شهر مهاباد) اعزام گردید و در طول ۱۶ ماه در عملیاته‌ای مکرر شرکت داشتند تا این که سرانجام در تاریخ ۱۷/۳/۶۶ در منطقه عملیاتی مهاباد در حین عملیات و نبرد با دشمن جان خویش را تقدیم پیشگاه الهی نمود .

شهید خدمت مقدس سربازی را وظیف و مسئولیت شرعی خود می دانست و دوستان و هم خدمتی های او که نسبت به آنها آشنایی بیشتری دارم آقایان اسماعیل دهقان که اکنون در سعد آباد ساکن می باشد و اصغر دشتی و سید علی حسینی که هر دو ساکن نظر آقا می باشند و شهید محمد زاده و شهید نعمت الله قاسم پور هر دو در یک روز تشییع گردیدند شهید فقط با ایشان دوست بودن نه هم خدمتی .

خاطره ای که بیشتر از هر چیز دیگری در ذهن پدر و مادر شهید می باشد و هر دو آن را تعریف می کنند این است که دو ماه که از سربازی محمد می گذشت یک بار برای مرخصی و دیدار با خانواده

آمدند و عکس در دست داشتند و آن را به مادرشان دادند و گفتند این عکس شهید محمد محمد زاده می شود آن را نگهداری کنید یک روز لازم می شود و مادر ایشان می گوید این همان عکسی است که اکنون در بنیاد شهید و پرونده ایشان و همچنین بر قبر و در خانه موجود می باشد .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران